

درآمدی بر جرم‌زدایی، کیفر‌زدایی و قضا‌زدایی

مقدمه گزارش: « کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی »
وابسته به شورای اروپا
ترجمه: نسرين مهرا

پیشگفتار مترجم

شورای اروپا که يك سازمان اروپایی همکاری بین‌الدولی و پارلمانی است، در سال ۱۹۴۹ تأسیس شده است؛ هدف آن از يك سو، ایجاد اتحاد نزدیکتر بین اعضا به منظور پاسداری و پیشبرد آرمانها و اصولی است که برای آنها جنبه میراث مشترك دارد، و از سوی دیگر، هموار کردن زمینه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو است. شورای اروپا که اکنون چهل عضو دارد، از سال ۱۹۵۶ با تأسیس « کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی » توجه خاصی به مطالعات و تحقیقات جرم‌شناختی در سطح کشورهای عضو مبذول می‌دارد. این کمیته از طریق تهیه و تنظیم قطعنامه‌ها، توصیه‌نامه‌ها و کنوانسیونها در زمینه جزایی، کیفر‌شناختی و جرم‌شناختی و ارائه آنها به کمیته وزرای (وزیران خارجه) دولتهای عضو شورا برای تصویب، بر فرایند قانونگذاری و به طور کلی بر سیاستگذاری در قلمرو کنترل جرم (سیاست جنایی) کشورهای مربوطه تأثیر می‌گذارد.

کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی در سال ۱۹۷۲، مأمور مطالعه درباره مفهوم جرم زدایی باتوجه به حقوق جزای کشورهای عضو گردید و به این منظور کمیته فرعی مطالعاتی مرکب از کارشناسان هفت کشور اروپایی را تشکیل داد. این کمیته فرعی گزارش پژوهش های خود را در ماه مه ۱۹۷۹ به کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی ارائه داد. کمیته وزرای شورای اروپا در سیصد و هفدهمین اجلاس خود در ماه مارس ۱۹۸۰ ضمن تصویب «گزارش درباره جرم زدایی»^{*} مجوز چاپ و نشر آن را بین دولتهای عضو صادر نمود.

باتوجه به اهمیت نقش مکانیزم «جرم زدایی» در سبک کردن بار قوانین کیفری، تراکم زدایی از کار و پرونده های دادگاههای کیفری و کم کردن جمعیت کیفری (مؤسسات زندان)، بخش مقدماتی این گزارش که به تعریف جرم زدایی و مفاهیم مرتبط با آن، یعنی کیفر زدایی و قضا زدایی، پرداخته است، برای ترجمه مناسب و مفید تشخیص داده شد.

*. European Committee on crime Problems (Council of Europe), report on decriminalisation, Strasbourg, 1980, 275 p.

۱. مفهوم جرم زدایی

۱.۱. جرم زدایی عملی و جرم زدایی رسمی (قانونی)^۱

جرم زدایی، شامل آن فرایندهایی است که از طریق آنها، «صلاحیت» نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجراها به عنوان واکنش نسبت به بعضی از رفتارها، یعنی برای رفتارهای مجرمانه خاصی، سلب می شود. این عمل ممکن است به وسیله قانونگذاری یا با روشی که به موجب آن قوه قضاییه^۲ قانون را تفسیر می کند، انجام گیرد. توجه خاص ما به جرم زدایی به عنوان یک فرایند تقنینی یا قانونگذاری است. جرم زدایی در مفهوم مضیق آن، گاهی به عنوان «جرم زدایی رسمی» نیز توصیف شده است. ما اصطلاح اخیر را هنگامی به کار می بریم که می خواهیم جرم زدایی به مفهوم مضیق را با «جرم زدایی عملی»^۳ یا بالفعل مورد مقایسه قرار دهیم.

مقصود ما از جرم زدایی عملی، پدیده (تدریجی) کاهش فعالیت‌های سیستم عدالت کیفری در قبال بعضی رفتارها یا بعضی اوضاع و احوال است، هرچند که رسماً و قانوناً در صلاحیت آن سیستم تغییری حاصل نشده باشد.

این فرایند در هر دو سیستم تعقیب کیفری واقع می شود: یعنی سیستم «مناسبت داشتن» و سیستم «قانونی بودن». این فرایند در ارتباط با جرایم اصطلاحاً «بدون قربانی» واقع می شود، یا نسبت به جرایمی که اساس آنها در اعتقادات سنتی قرار دارد، اما با تفکرات مدرن در چالش بوده است، و بخصوص در قبال جرایم اقتصادی خفیف و جرایم ناشی از نقض مقررات رانندگی.

«جرم زدایی عملی» به صورت مختلف تحقق می یابد: ابتدا با تغییرات در رفتار اشخاصی که مستقیماً ذی نفع هستند، تا بدانجا که از گزارش و افشای عمل مجرمانه به پلیس خودداری می کنند. دوم به علت احتیاط (مصلحت اندیشی) پلیس

1. De jure decriminalisation.

۲. یک مورد خاص جرم زدایی به وسیله قوه قضاییه، لغو قوانین کیفری به وسیله دادگاه قانون اساسی است.

3. De facto decriminalisation.

در عدم تعقیب بعضی پرونده‌ها یا ارجاع آنها به سایر سیستم‌های اجتماعی است. در سیستم‌هایی که مبتنی بر مناسبت داشتن تعقیب کیفری است، و تا اندازه‌ای و در بعضی موارد، حتی در سیستم‌هایی که اصل قانونی بودن تعقیب کیفری حاکم است، جرم زدایی عملی ممکن است به لحاظ صلاحدید دادستان عمومی نیز محقق شود. صلاحدید و اختیار دادگاهها در تحمیل حداقل مجازاتها یا مجازاتهای اسمی نیز ممکن است مرحله‌ای در فرایند جرم زدایی عملی باشد.

بنابراین، مفهوم جرم زدایی عملی در سطح وسیعی شامل مفهوم انحراف از سیستم عدالت کیفری می‌شود.

فرایند جرم زدایی عملی ممکن است منجر به یک عمل جرم زدایی کلی رسمی (قانونی) شود؛ در این معنا می‌توانیم به جرم زدایی عملی و جرم زدایی رسمی به عنوان اجزای یک فرایند واحد نظر بیفکنیم.

گاهی می‌توانیم شاهد تحول تدریجی قابل مقایسه به سمت جرم زدایی رسمی در پرونده‌هایی باشیم که صلاحیت رسمی سیستم عدالت کیفری برای رسیدگی به بعضی وضعیتها و بعضی رفتارها بطور کلی محدود نشده، بلکه فقط بر حسب بعضی خصایص بزهکار یا بعضی ویژگیهای بزه دیده (برای نمونه سن، جنسیت یا مسؤولیت روانی) محدود گردیده است.

۱.۲. سه نوع جرم زدایی

تفاوتهای مهمی بین جنبه اجتماعی و جنبه قانونی جرم زدایی رسمی وجود دارد. ما موارد اساسی آنها را مشخص می‌نماییم:

الف. هدف جرم زدایی رسمی در مواردی، شناسایی یعنی به رسمیت شناختن کامل قانونی و اجتماعی رفتار جرم زدایی شده است. برای نمونه، هدف از جرم زدایی از اعمال همجنس‌گرایانه میان افراد بالغی که با رضایت دست به این کار می‌زنند - لاقدر در بعضی کشورها - لغو تبعیض است. این به معنای به رسمیت

شناختن یک حق قانونی برای انتخاب آزادانه یک شیوه زندگی (داشتن روابط همجنس‌گرایانه) است که قبلاً مغایر با قانون بوده است (جرم زدایی از نوع الف).

ب. در موارد دیگر، جرم زدایی نه به لحاظ علاقه به شناسایی کامل قانونی و اجتماعی رفتار جرم زدایی شده، بلکه ممکن است به لحاظ تغییر افکار عمومی در خصوص نقش مراجع دولتی در قلمرو مربوطه (یعنی نسبت به عمل یا رفتار مجرمانه جرم زدایی شده) صورت گیرد.

یک ارزیابی متفاوت از نقش دولت و افزایش اهمیت حقوق بشر ممکن است مستلزم عدم مداخله مراجع دولتی در ارتباط با بعضی رفتارها باشد. در بعضی جوامع ملی، جرم زدایی در زمینه جرایم جنسی ممکن است در پرتو چنین تحولاتی مطرح و درک شود (جرم زدایی از نوع ب).

ج. جرم زدایی الزاماً مستلزم تغییر عقیده در خصوص عدم مطلوبیت بعضی رفتارها یا عدم مناسبت صلاحیت مراجع دولتی در مورد آنها نیست. گاهی، هرچند رفتار بزهکارانه‌ای که از آن جرم زدایی شده است، هنوز به عنوان نامطلوب تلقی می‌گردد و دولت برای برخورد با آن صالح تلقی می‌شود، لیکن تصمیم در جهت زدودن وصف مجرمانه از آن رفتار بزهکارانه اتخاذ می‌گردد. در چنین موردی، گاهی عدم واکنش و مداخله انتخاب می‌شود و نحوه رویارویی با این وضعیت نامطلوب به افرادی که بطور مستقیم ذی نفع هستند، محول می‌شود. در سایر موارد، جرم زدایی با رویکردهای تناوبی (آلترناتیوی) - به نام یا به ابتکار - نهادهای دولتی ترکیب می‌شود (جرم زدایی از نوع ج).

تفاوت میان این سه نوع جرم زدایی، نه تنها دارای منافع نظری (تئوریک)، بلکه حقوقی (قانونی) نیز هست. تا آنجایی که جرم زدایی مستلزم شناسایی کامل رفتار جرم زدایی شده است، بر دیگر بخشهای سیستم حقوقی تأثیر مهمی دارد؛ اگر رفتاری که از آن جرم زدایی شده است، بنحوی توسط حقوق اداری محدود یا ممنوع

شود، با معنای جرم زدایی هماهنگ نخواهد بود و مغایر با آن است. حقوق اداری موجود باید در پرتو انگیزه‌هایی که منجر به جرم زدایی شده است تفسیر شود و دعاوی حقوقی علیه یک نوع رفتاری که از آن جرم زدایی شده است، ممکن است دیگر بر اساس این استدلال که رفتار غیر قانونی و یا شنیع است، قرار نگیرد.

اگر جرم زدایی مستلزم شناسایی کامل یک نوع رفتار (یعنی نوع ب و ج جرم زدایی) نباشد، اثر قانونی بر حقوق اداری و حقوق مدنی مبهم تر خواهد بود. با این حال قانونگذاران، مسؤولان اداری و دادگاهها باید اطمینان حاصل نمایند که قانون و اجرای آن، اهدافی را که باعث جرم زدایی شده است، نادیده نمی‌گیرند.

۲. رویکردهای مختلف نسبت به «وضعیت‌های پیچیده»^۱

رویکردهای مختلف ترکیبی با جرم زدایی از نوع «ج» (جایی که رفتار جرم زدایی شده هنوز نامطلوب محسوب می‌گردد و باید در حیطه مداخله مراجع دولتی قرار گیرد) ممکن است به طرق زیر مطرح شود:

۱. در بعضی موارد، این نوع جرم زدایی از اعتقاد قانونگذار مبنی بر این که بها و هزینه‌های اجتماعی جرم انگاری از فواید آن بیشتر است و این که هیچ گونه وسایل جایگزین عملی برای مقابله با رفتار نامناسب یا وضعیت نامطلوب وجود ندارد، سرچشمه می‌گیرد. بنابراین راه حل عدم اقدام انتخاب می‌شود.

۲. در سایر موارد، جرم زدایی از این نوع، به این علت که نوع دیگر رویکرد برای مقابله با آن، مناسبتر تشخیص داده شده است، صورت می‌گیرد. گستره رویکردهای جایگزینی (آلترناتیوی) بسیار وسیع است.

الف - یک نوع رویکرد، کماکان بر خود رفتار نامطلوب متمرکز می باشد، اما مستلزم در نظر گرفتن سیستمهای اجتماعی دیگر به منظور مقابله با آن است. بعضی از این سیستمها دارای ماهیت حقوقی هستند: سیستمهای حقوق مدنی و حقوق اداری. سایر سیستمها عمدتاً دارای ماهیت متفاوتی می باشند مانند سیستم بهداشت، سیستم رفاه اجتماعی و سیستمهای آموزشی.

ب - نوع دیگر رویکرد، بر شخص بخصوصی که به عنوان مباشر رفتار نامطلوب تلقی می شود، متمرکز نیست، بلکه بر وضعیت و اوضاع و احوال نامطلوب تأکید می کند. این رویکرد سعی دارد تا از کثرت آثار نامطلوب چنین وضعیتهایی بکاهد. این کار ممکن است به طرق مختلف صورت پذیرد:

- ایجاد تغییر در خصوصیات فیزیکی محیط؛ ایجاد تغییرات در طرح معابر و خودروها به عنوان یکی از موفق ترین وسایل کاهش تعداد و شدت تصادفهای رانندگی بوده است. به همین ترتیب، وسایل ایمنی می تواند تعداد سرقت خودروها، سرقت از فروشگاههای زنجیره ای یا فروشگاههای سلف سرویسی و سرقت از بانکها را بکاهد.

انریکو فری^۵ قبلاً اشاره نموده بود که بهبود روشنایی کوچه ها و خیابانها یکی از مؤثرترین وسایل پیشگیری از سرقت مقرون به آزار در معابر عمومی است.

- ایجاد تغییر در محیط روان شناختی یا نمادین؛ تعریف و تجربه کردن رویدادها به صورت متفاوت ممکن است یک وسیله بسیار مؤثر - و اغلب تنها روش - کاهش یا جنبه های منفی یک وضعیت باشد. هر پدر یا مادری در عمل تجربه شخصی از این پدیده دارد.

یک روش جدید ملاحظه رفتار کودک یا نوجوان می تواند تنش را از میان بردارد و مسائلی را که در گذشته غیر قابل حل به نظر می رسیدند، حل و فصل نماید. همان طور که می دانیم، این امر ممکن است در روابط میان اشخاص

بزرگسال نیز صادق باشد. این موضوع تا حدودی نیاز به تساهل (گذشت) بیشتر داشته، و نیز تا حدودی فرایند فراگیری است که طی آن راههای صحیح تر مقابله با وقایع نامطلوب (جرایم) به مردم آموخته می شود. اگر توانایی آنها در مقابله با این وقایع افزایش یابد، دو نوع منفعت حاصل می شود:

از یک سو، از افزایش تعارض و اختلاف جلوگیری می شود و آثار منفی آن محدود می گردد؛ از سوی دیگر، ترس از واقعه کاهش می یابد. در بسیاری از قلمروها شایسته است تلاش شود تا منابع بهداشت و رفاه اجتماعی از «مباشر» جرم به سمت سایر اشخاص ذی نفع (درگیر) در تعامل، یعنی بزه دیدگان (بالقوه)، تغییر جهت دهد.

۳. مفهوم کیفر زدایی^۶

مفهوم کیفرزدایی شامل کلیه اشکال تراکم زدایی از سیستم کیفری می شود. در این زمینه تغییر وصف یک جرم از «جنایت» به «جنحه» ممکن است به عنوان کیفرزدایی تلقی گردد. این موضوع در مورد کیفرهای سالب آزادی، آنگاه که ضمانت اجرای دیگری که دارای آثار منفی کمتر یا دارای اثرات جانبی کمتری هستند (مانند جزای نقدی، تعلیق مراقبتی و یا قرارهای خاص دادگاه و غیره) جایگزین آنها می شوند نیز صادق است.

۴. مفهوم قضا زدایی^۷

مفهوم «قضا زدایی» جلوگیری یا عدم ادامه رسیدگیهای کیفری را در مواردی تعریف و مشخص می کند که سیستم عدالت کیفری صلاحیت رسیدگی به آنها را رسماً دارد.

6. The concept of Depenalisation.

7. The concept of Diversion.

در فرایند قضازدایی، مسأله در مواردی به طرفهای مستقیماً درگیر که می‌توانند از کمک یک عامل خارجی در حل آن مسأله استفاده نمایند، ارجاع داده می‌شود. در سایر موارد، تأکید به مداخله مثبت یک عامل خارجی، به منظور کمک به مجرم در حل مسائلی است که او را به طرف بزهکاری سوق داده است. نوعاً، چنین شیوه‌هایی به وسیله نهادهای موقت صورت می‌گیرد که نسبت به تشکیلات کیفری رسمی مستقل هستند.

۵. مفاهیم جرم و بزهکاری^۱

آشننگی که غالباً بر بحثهای راجع به موضوعات کیفری حاکم است، تا حدود زیادی به واسطه استفاده مبهم از مفاهیم جرم، مجرم و بزهکاری است. در نوشته‌های جرم‌شناختی و علوم اجتماعی، مفهوم جرم برای ابراز رفتاری است که ماهیتاً نامطلوب است (از یک دیدگاه عمومی‌تر یا خاص‌تر)، بدون در نظر گرفتن آن که تا چه اندازه چنین رفتاری در حیطه صلاحیت رسمی سیستم کیفری است. در حیطه این محدوده، مفهوم جرم گاهی محدود به رفتاری می‌شود که به طور جدی نامطلوب است. اما گاهی چنین نیست. در همین نوشته‌ها، مفهوم جرم همچنین برای بیان رفتاری است که کل یا بخشی از آن در حیطه صلاحیت رسمی سیستم کیفری قرار می‌گیرد (مقوله‌های "Crime" و "Felonies").

استفاده بدون تمیز این واژه در معناهای کاملاً متفاوت، بررسی مفید مسائل جرم‌انگاری و جرم‌زدایی را بسیار مشکل می‌سازد.

تنها این چنین تفکیک مفاهیم به شرح زیر است که ممکن است قابل استفاده باشد:

۱. اگر کلیه رفتارهایی که در حیطه صلاحیت رسمی سیستم کیفری قرار می‌گیرد، خود به خود (شدیداً) نامطلوب می‌بودند، و ۲. اگر کلیه رفتارهای

(شدیداً) نامطلوب در حیطه صلاحیت رسمی سیستم کیفری قرار می‌گرفت و یا باید در حیطه آن قرار می‌گرفتند. با این حال، هر دو این فرضیه هم از نظر واقعی و هم از نظر هنجاری نادرست می‌باشند. همان‌گونه که ملاحظه کردیم یکی از عواملی که ممکن است فرایند جرم زدایی را به حرکت درآورد، قبول این موضوع است که بعضی از رفتارها نامطلوب نیستند؛ از طرف دیگر، بسیاری از اشکال اعمال نامطلوب، حتی جایی که نهادهای دولتی مستقیماً با آنها مقابله می‌نمایند، خارج از قلمرو و صلاحیت سیستم کیفری باقی می‌مانند. همچنین نادرست است بگوییم که صلاحیت رسمی سیستم کیفری تا آنجا راهنمای قابل اعتمادی است که به موجب آن، رفتار از نظر نهادهای دولتی نامطلوب شمرده می‌شود. به همین دلایل، سعی ما بر این است که مفاهیم جرم و بزهکاری را برای انواع رفتارهایی حفظ کنیم که در حیطه صلاحیت رسمی سیستم کیفری قرار می‌گیرند. این مستلزم قضاوت در خصوص مطلوب بودن یا مطلوب نبودن رفتار مورد نظر نیست. مسأله مطلوب بودن، یکی از جنبه‌هایی است که به هنگام بررسی در مورد این که آیا در مورد یک رفتار معین جرم‌انگاری ضروری است یا ضروری است جرم‌انگاری حفظ گردد، باید مورد توجه قرار گیرد. در قلمرو هنجاری و دستوری، «نامطلوب بودن» یک علت لازم، اما نه یک علت کافی برای جرم‌انگاری است.

کل قلمرو جرم‌انگاری و جرم زدایی، از جمله معیاری که باید به هنگام سنجش، برآورد و هدایت فعالیتها در این زمینه مورد استفاده قرار گیرند، در مرحله بسیار پایینی از توسعه است. با این وجود، مشروعیت واقعی در قالب «عادلان بودن» شیوه‌ای که سیستم کیفری به موجب آن کار می‌کند و عمل می‌نماید، بستگی به کیفیت تصمیمات در زمینه جرم‌انگاری و جرم زدایی دارد. واژه مبهم مربوط به مفهوم جرم احتمالاً به وضعیت تأسف بار کنونی امور کمک کرده است. یک عامل با اهمیت تر (که بین هر دو پدیده مشترک است، یعنی عدم توسعه در قلمرو جرم زدایی و جرم‌انگاری و وضعیت خلط شده واژه مربوطه) احتمالاً این است که محتوای مفهوم جرم معین نیست، بلکه حاصل تعریف قابل

کنترل است. اگر محتوای مفهوم جرم معین نیست، تصمیم این که آیا یک نوع رفتار به عنوان مجرمانه تعیین و تعریف شود یا خیر، یک انتخاب خواهد بود، یعنی یک مسؤولیت انسانی. بنابراین تصمیم مبنی بر جرم زدایی یا جرم انگاری، خود را به عنوان یکی از مهمترین تصمیمها در کارکرد سیستم کیفری مشخص خواهد کرد.

۶. مفهوم سیستم کیفری (سیستم عدالت جنایی)

هنگامی که از سیستم کیفری صحبت می‌کنیم چه بخش از واقعیت را در ذهن داریم؟ بعضی از مقررات قانونی؟ بعضی از نهادهای دولتی و فعالیتهایشان را؟ تصور و برداشت ما از یک نوع وسیع است. برای ما این مفهوم شامل موارد زیر می‌شود:

- حقوق جزا به عنوان یک مجموعه متون، آموزه‌ها و اندیشه‌ها؛
 - وجود و کار بعضی از سازمانهای دولتی در رابطه متقابل آنها با هم (پلیس، دادگاهها، دادسرا، سازمان زندانها، وزارت دادگستری، پارلمان) تا آنجایی که فعالیتهایشان با توجه به حقوق جزا مشروع است، یا مستقیماً در آن قانون منعکس است؛

- تصورات و بینشهای این سازمانها در مورد جرم و بزهکاران؛
 - ارتباط خاص میان این سازمانها و وسایل ارتباط جمعی؛
 - «نتایج فوری» (از جمله ضمانت اجرای کیفری) سیستم و بخصوص نتایجی که خاص آن می‌باشند؛

- ساختار قدرت در حیطه و میان نهادهایی که سیستم را به وجود می‌آورند.
 چه کسی تصمیم می‌گیرد و چه منافعی در نظر گرفته می‌شوند؟



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی